دریچه

بزرگداشت «حسن نمک‌دوست» و «حسین کیانی»

● بیستمین جشن سالانه انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران تئاتر، عصر پنجشنبه ۳۰ دی برگزار می‌شود.

انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران تئاتر که در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و از آن سال تاکنون به طور منظم، همه‌ساله طی مراسمی از بهترین‌های صحنه و رسانه تقدیر می‌کند، امسال در حالی بیستمین جشن سالانه خود را برگزار می‌کند که به دلیل شیوع بیماری کرونا و مناسبت‌های تقویمی، ناچار شد این جشن را با تأخیری چندماهه برپا کند.

در این مراسم، آیین نکوداشت دکتر «حسن نمک‌دوست» روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه در عرصه ارتباطات و نیز «حسین کیانی» نویسنده، کارگردان و استاد دانشگاه در عرصه تئاتر برگزار خواهد شد و مانند سنوات گذشته، نشان عالی کمیسیون ملی یونسکو- ایران، براساس پیشنهاد انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران تئاتر، به یک چهره ماندگار و تأثیرگذار در عرصه هنرهای نمایشی اهدا خواهد شد.

معرفی نمایش‌های برگزیده سال ۹۸، ناشرِ برگزیده حوزه تئاتر، فعال‌ترین عضو انجمن، برنامه برگزیده رادیویی در زمینه تئاتر و بهترین گروه تئاتری سال ۹۸ از دیگر بخش‌های این جشن است؛ ضمن آنکه امسال نیز مانند سنوات گذشته، نشان مسئولیت اجتماعی به یک اثر نمایشی اجراشده در سال ۹۸ که کارکرد مؤثر اجتماعی داشته، اهدا می‌شود.

همچنین از برگزیدگان بیستمین مسابقه مطبوعاتی سالانه انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر در هفت گرایش رسانه‌ای تقدیر به عمل خواهد آمد. اسامی نامزدهای بخش‌های مختلف این مسابقه به شرح زیر است:

بخش گفت‌وگو: «مهدی میرمحمدی» از ماهنامه شبکه آفتاب، «میثم جهانگیری» از فصلنامه نمایش شناخت و «عباس غفاری» از خبرگزاری هنرآنلاین

بخش نقد: «سمیرامیس بابایی» از ماهنامه دنیای تصویر، «آزاده فخری» از ماهنامه نمایش و «شهرام خرازی‌ها» از ماهنامه نمایش

بخش یادداشت: «عباس غفاری» از خبرگزاری هنرآنلاین، «سیدحسین رسولی» از روزنامه اعتماد و «رؤیا سلیمی» از روزنامه مردم‌سالاری

بخش ترجمه: «اَنیسا رئوفی» از ماهنامه شبکه آفتاب، «فاطمه صمدزاده» از ماهنامه نقش صحنه و «نسیبه جمشیدی‌شاهرودی» از ماهنامه نقش صحنه

بخش مقاله: «محسن خیمه‌دوز» از روزنامه اعتماد، «علی منصوری» از سایت تئاتر شورایی تهران و «بهزاد خاکی‌نژاد» از کتاب انجمن مدرسان تئاتر

بخش عکس: «حسین گلستان»، «علی‌اصغر اظهاری‌خوشکار» و «حمید رضایی»

بخش گزارش: در این بخش هیئت داوران، نامزدی را معرفی نکرده است.

این جشن عصر پنجشنبه ۳۰ دی ۱۴۰۰، با حمایت و مشارکت خانه تئاتر، موزه ملی ایران، دبیرخانه مسئولیت اجتماعی کشور و کمیسیون ملی یونسکو- ایران برگزار می‌شود.

راهیابی «روز سیب» به جشنواره فیلم برلین

● فیلم سینمایی«روز سیب» به کارگردانی محمود غفاری و تهیه‌کنندگی الهه نوبخت، در اولین نمایش جهانی خود به بخش رقابتی «نسل‌ها» در هفتادودومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم برلین راه یافت.

این فیلم که پروانه ساخت آن، سال گذشته صادر شده است، به‌تازگی مراحل پس از تولید خود را طی کرده و اولین نمایش آن در جشنواره بین‌المللی برلین خواهد بود. عوامل این فیلم عبارت‌اند از کارگردان: محمود غفاری، تهیه‌کننده: الهه نوبخت، نویسندگان: محمود غفاری، مهناز جارچی، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: مهدی پورموسی، مدیر فیلم‌برداری: علی احسانی، مدیر تولید: وحید حاجیلویی، صدابردار: حامد حسین‌زاده، تدوین: محمود غفاری، بازیگران: آرین رستگار، ژیلا شاهی، مهدی پورموسی، خداداد بخشی‌زاده، صداگذار: علیرضا علویان، موسیقی: علی منصور، اصلاح رنگ و لابراتوار: سامان مجدوفایی، طراح گرافیک: احسان برآبادی، مشاور رسانه‌ای: سارا شمیرانی، عکاس: مهسا جارچی، مجریان طرح: حسین فتح‌الهی، علی فتح‌الهی

پخش بین‌المللی فیلم «روز سیب» بر عهده مؤسسه تصویرگستر الهه پارسی به مدیریت الهه نوبخت است. «روز سیب» داستان یک خانواده ایرانی است که با وجود همه ناملایمات، عاشقانه و سرشار از رؤیا در کنار هم می‌ایستند و هم‌زمان به یکدیگر فضای رشد می‌دهند. محمدرضا فرزاد با فیلم «معمولا» و آذر سیار سینماگر ایرانی-فنلاندی با «خانه من» محصول فنلاند در بخش Forum Expanded، «تا فردا» ساخته علی عسگری و محصول ایران و فرانسه و قطر در بخش پانوراما و «گوزن» ساخته هادی بابایی‌فر در بخش فیلم‌های کوتاه نسل آثار سینماگران ایرانی است که تاکنون به جشنواره فیلم برلین ۲۰۲۲ راه یافته‌اند. همچنین پروژه «کیک محبوب من» از بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم به عنوان محصول مشترک ایران و فرانسه در نوزدهمین بازار تولید مشترک جشنواره برلین حضور خواهد داشت.

هفتادودومین جشنواره فیلم برلین از ۱۰ تا ۲۰ فوریه (۲۱ بهمن تا یک اسفند) به صورت حضوری برگزار می‌شود.

فیلم‌های کمدی همچنان در صدر فروش

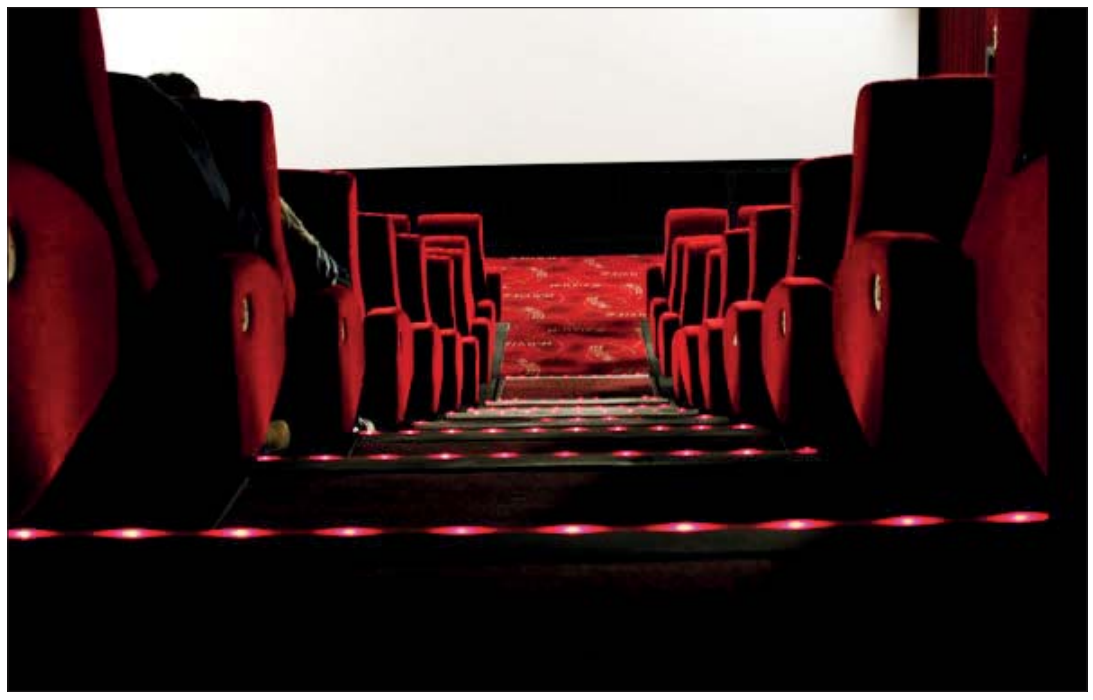

گروه هنر: زمان زیادی نیست که رونق به سالن‌های سینما بازگشته است. هرچند از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، فروش چند ماه اخیر سینمای ایران را نمی‌توان موفقیتی بزرگ محسوب کرد، چراکه پیش از همه‌گیری ویروس کرونا نیز سینما شرایط اقتصادی مطلوبی نداشته و زمان زیادی تا احیای دوباره آن لازم است. اما بی‌تردید اکران فیلم‌های کمدی که سال‌هاست نبض گیشه را دست گرفته‌اند، باز هم مخاطبانی را راهی سالن‌های سینما کرده است. «دینامیت» به کارگردانی مسعود اطیابی ازجمله فیلم‌های کمدی است که ماه‌هاست به یکه‌تازی در گیشه ادامه می‌دهد و همچنان مخاطب دارد. ۴۱۵,۶۲۱,۲۴۸,۹۰۰ سهم فروش «دینامیت» از فروش گیشه بوده است.

هرچند «گشت ارشاد ۳» به کارگردانی سعید سهیلی نیز همچنان در رده بالای جدول فروش قرار دارد و ۳۳۵,۵۶۸,۸۳۶,۵۰۰ رقمی است که از فروش گیشه به خود اختصاص داده است. ساعد سهیلی، پولاد کیمیایی، بهنام بانی، ریحانه پارسا، میرطاهر مظلومی، نازنین کیوانی، مبینا رحمتی، اسدالله منجزی، امیر محاسبتی، اشکان عقیلی، مهدی دانایی‌مقدم، علیرضا خواجه‌نیا و امیر جعفری گروه بازیگران «گشت ارشاد ۳» را تشکیل می‌دهند.

بدون شک «قهرمان» تازه‌ترین اثر سینمایی اصغر فرهادی، برای بسیاری از علاقه‌مندان سینما از فیلم‌های کنجکاوی‌برانگیز گیشه پاییز بود. فیلمی که با درخشش در بسیاری از جشنواره‌های جهانی، نماینده سینمای ایران در آکادمی اسکار پیش‌رو است. فیلمی که در بدو اکران، واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشت و بی‌تردید می‌توان گفت یکی از فیلم‌های پرحاشیه کارنامه اصغر فرهادی است. «قهرمان» پس از گذشت سه ماه از اکران عمومی تاکنون به فروش ۱۱۵,۲۲۰,۸۷۷,۵۰۰ از گیشه دست پیدا کرده است.

«قهرمان» در ادامه موفقیت‌های جهانی‌اش در فهرست نامزدهای اولیه بفتا قرار گرفته است. آکادمی فیلم بریتانیا (بفتا) فهرست نامزدهای اولیه جوایز سالانه خود را اعلام کرد و فیلم سینمایی «قهرمان»، یکی از ۱۵ فیلم در شاخه بهترین فیلم خارجی است.

«بی‌همه‌چیز» ساخته محسن قرایی از آثاری است که به‌تازگی به چرخه اکران سینماها اضافه شده است. فیلمی که با اقتباسی آزاد از نمایش‌نامه مشهور «ملاقات بانوی سالخورده» نوشته فردریش دورنمات ساخته شده و پرویز پرستویی، هدیه تهرانی، هادی حجازی‌فر، باران کوثری، مهتاب نصیرپور، پدرام شریفی، بابک کریمی، فرید سجادی‌حسینی، لاله مرزبان، زهیر یاری، عیسی یوسفی‌پور، خسرو پسیانی، مهدی صباغی، عرفان ناصری، محسن نوری، مهران وثوقی، رؤیا بختیاری، اسدالله منجزی، آسیه سلطانی، نسیم فروغ، سارا افشار، امیر شاه‌علی و محمدمهدی بخشی گروه بازیگران «بی‌همه‌چیز» را تشکیل می‌دهند.

«بی‌همه‌چیز» ازجمله فیلم‌های بحث‌برانگیز جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر بود. فیلمی که در نخستین نمایش‌هایش در جشنواره فیلم فجر، واکنش‌هایی را به همراه داشت و به نظر می‌رسید تا رسیدن به اکران راه پرفرازونشیبی خواهد داشت. بااین‌حال «بی‌همه‌چیز» در زمان کوتاه از آغاز اکرانش ۵۶,۸۹۳,۰۵۵,۰۲۸ در گیشه فروش داشته و همچنان به اکرانش ادامه می‌دهد.

«آتابای» نیز از دیگر فیلم‌های موفق سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر بود. فیلمی که نامزد دریافت سیمرغ بلورین در پنج بخش شد و تحسین بسیاری از منتقدان و مخاطبانش را به همراه داشت. فیلمی با گویش آذری و زیرنویس فارسی که کمی غیرمتعارف‌تر از سایر فیلم‌های اکران‌شده در سینمای ایران به نظر می‌رسد، بااین‌حال فیلم در اکران عمومی با اقبال خوبی از سوی مخاطبانش روبه‌رو شد و توانست فروشش را به مرز پنج میلیارد برساند.

داستان فیلم درباره مردی میانسال به نام کاظم است که در روستای پیرکندی شهرستان خوی زندگی می‌کند. او که دانشجوی معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بوده، پس از یک شکست عاطفی از دانشگاه انصراف داده و به زادگاه خودش برگشته است. خواهرش در جوانی خودسوزی کرده است و پس از آن مسئولیت سرپرستی و تربیت پسر خواهرش با اوست. حالا آیدین به سن نوجوانی رسیده و او خود را در تربیت او ناتوان می‌بیند و بااین‌حال به‌شدت به او علاقه‌مند است. از سوی دیگر رابطه او با دوست قدیمی‌اش به نام یحیی دچار چالش شده است. در این میان، حضور دو خواهر که آتابای کار ساخت ویلا برای پدر آنها را برعهده دارد، شرایط تازه‌ای را رقم می‌زند و او به سیما دختر بزرگ خانواده علاقه‌مند می‌شود اما در بیان این علاقه به او تردید دارد و سرانجام این عشق هم نافرجام می‌ماند.

هادی حجازی‌فر، جواد عزتی و سحر دولتشاهی از بازیگران اصلی این فیلم سینمایی هستند.

اما به‌تازگی خبر اکران فیلم «عنکبوت» خبرساز شد. فیلمی که روایت قاتل سریالی ایرانی سعید حنایی است که ملقب به قاتل عنکبوتی بود. این فیلم برای نخستین‌بار در بخش خارج از مسابقه سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و بعد از آن اما و اگرهایی که برای چگونگی نمایش فیلم ایجاد شد، سرانجام در تیر ماه سال ۹۹ مجوز اکرانش را دریافت کرد، با توجه به اخبار منتشرشده، بنا بود تا از ابتدای دی‌ماه امسال روی پرده سینماها برود.

ابراهیم ایرج‌زاد به‌تازگی در گفت‌وگویی با ایسنا با اشاره به جلسه ۱۹ دی که با حضور حبیب ایل‌بیگی، معاون نظارت ارزشیابی سازمان سینمایی و کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم برگزار شد، گفت: «خوشبختانه در این جلسه بعد از گفت‌وگوهای انجام‌شده، سوءتفاهمات و سوءبرداشت‌های پیش‌آمده برطرف و موانعی که باعث تأخیر اکران فیلم شده بود، حل شد. بر این اساس با توجه به جلسه شورای صنفی نمایش که این هفته برگزار خواهد شد، اکران «عنکبوت» بعد از جشنواره چهلم فجر صورت خواهد گرفت و از ۲۷ بهمن روی پرده خواهد رفت.

ایرج‌زاد در بخشی از پیامی که منتشر کرده بود، با انتقاد از شرایط پیش‌آمده برای فیلمش، با اشاره به اینکه «به نوعی به من گفتند این فیلم را قبل از جشنواره اکران نکنم تا فضا ملتهب نشود!» بیان کرد در ابتدا با وجود آنکه این فیلم پروانه نمایش داشت، گفتند اثر را برای بازبینی مجدد ارائه دهیم. پس از آن بیان کردند که نهاد دیگری نیز باید آن را بازبینی کند که من خواهش کردم در حضور خودم این اتفاق بیفتد. در نهایت این امکان حاصل نشد و به من به عنوان کارگردان فیلم خبر ندادند و گفتند فیلم اصلاحیه خورده و فقط موارد را به من اطلاع دادند!».

«عنکبوت» درباره سعید حنایی یکی از قاتلان زنجیره‌ای دهه ۷۰ است که در شهر مشهد چندین زن خیابانی را به قتل رساند. در این فیلم محسن تنابنده، ساره بیات، شیرین یزدان‌بخش، ماهور الوند، گلنوش قهرمانی، علی باقری، مهدی حسینی‌نیا، حمیدرضا هدایتی‌راد، جواد یحیوی، آتیه جاوید، مهدخت مولایی، سحر عبداللهی، نیوشا علیپور، یوسف خسروی، حمید حاجی‌محمدزاده، میثم دامن‌زه، داود ذاکری و فرید سجادی‌حسینی ایفای نقش می‌کنند.

نگاهی به فیلم «سرخ‌پوست‌ها» از غلامحسین لطفی

از کافه تا کوچه

محمدعلی افتخاری: فیلم «سرخ‌پوست‌ها» ماجرای ساده‌ای را با زبانی ساده به پرده سینما آورده است. شاید این سادگی برای شرح روزگار آدم‌هایی که پشت درهای بسته سینما آرزویی دور از دسترس را زندگی می‌کنند، مناسب باشد. پیش از دیده‌شدن تیتراژ و تنها جایی که نشانی از صداپیشه‌ها نیست، نامه‌هایی که به ستارگان سینما نوشته شده است، با صدای نویسندگان نامه‌ها که گویی ازجمله شیفتگان سینما و هنرپیشگی هستند، خوانده می‌شود. دراین‌میان صدای مردی به گوش می‌رسد که نامه‌اش را از طرف سندیکای هنرمندان و بازیگران ایرانی به یکی از ستارگان سینمای دهه ۵۰ فرستاده است. او نامه‌ای برای شورانگیز نوشته و از صمیم قلب از او می‌خواهد که به حرف کارگردان‌ها گوش نکند و بیش‌ازاین برای کسب درآمد خود را در اختیار سینما قرار ندهد: «شورانگیز جان سلام. اگر از احوالات ما بخواهی، خوب است. باری شورانگیز جان گاهی فکر می‌کنم چرا ستارگان سینما به احساسات کسی که دوستشان دارد، اهمیت نمی‌دهند و فکر نمی‌کنند بعضی کارها و حرف‌ها و شایعات دل او را می‌شکند. [...] باری من ترجیح می‌دهم که تو همیشه ساده باشی و درآمدت کم باشد؛ ولی این شایعه و حرف‌ها را نشنوم. شورانگیز چرا نمی‌فهمی؟ من از این کارت خیلی عصبانی هستم؛ چون تو مثل ناموس منی. حرف کارگردان‌ها را گوش نکن...». بعد از این، داستان زندگی احمد آرتیست و آمدن داود به جمع عاشقان سینما آغاز می‌شود. کافه‌ای در کوچه ارباب جمشید، پاتوق بازیگرانی است که فیلم «سرخ‌پوست‌ها» بخشی از توانایی این گروه از بازیگران سینمای ایران را نشان می‌دهد. آنها هر روز اینجا جمع می‌شوند و منتظر خبری از چیچو هستند. چیچو گروه‌های پرتعداد بازیگران را که «سیاهی لشکر» خوانده می‌شوند، برای فیلم‌های سینمایی متعدد انتخاب می‌کند.

فیلم‌هایی که به‌عنوان عامه‌پسندها از آنها یاد می‌شود، از سویی حاصل تجارتی خودخواسته در سینما است و از سوی دیگر تبادل یک کالای مصرفی از طرف سینما، به چشم و زندگی تماشاگر است. سرخ‌پوست‌های سینمای ایران رفتاری را نمایندگی می‌کنند که نشان می‌دهد مصرف عامه‌پسندهای سینمایی رابطه مستقیمی با چگونگی به شهرت رسیدن یک هنرپیشه در سینما دارد. این روند چهار مقطع تکرارشونده را در زندگی ستاره سینمایی ترتیب می‌دهد. دوران علاقه‌مندی به سینما و عشق فیلم بودن، حضور در مراحل تولید یک فیلم و تجربه «سیاهی لشکر» بودن، تبدیل‌شدن به یک ستاره محبوب که اقبال فیلم و جذب مخاطب در گرو حضور اوست و مرحله چهارم که برای هنرپیشه محبوب مثل واردشدن به تونل تاریک و ناشناخته زندگی است؛ خارج‌شدن از چرخه سینما به دلیل ضعف جسمانی و ازدست‌دادن چهره‌ای که اگر طراوتش را از دست بدهد، در چشم‌چرانی‌های سینما گم‌وگور می‌شود.

چیزی بیرون از سینما وجود دارد که رفتار هنرپیشه‌ها و مناسبات حاکم به فضای سینما را طراحی می‌کند؛ پنداری از زندگی در انعکاس یک تصویر تلخ و شیرین. این پندار در رفتار گروه بازیگران ارباب جمشید و شلوغی کافه آقا یوسف دیده نمی‌شود. فیلم‌نامه «سرخ‌پوست‌ها» و روابط میان آدم‌های فیلم نیز شکل روشنی از این پندار به دست تماشاگر نمی‌دهد. وقتی که سرخ‌پوست‌ها آرزوی دیدن ستاره‌های سینمایی را به زبان می‌آورند و رؤیای بودن در کنار بازیگران محبوب را در خیال تماشاگر زنده می‌کنند، طرحی پراکنده از چگونگی شکل‌گیری ملودرام‌ها و نیاز زن و مرد ایرانی به دیدن و شنیدن عامه‌پسندها را صورت می‌دهند که عناصر سازنده این دستگاه سرگرمی‌ساز در رابطه عمیقی با یکدیگر دیده می‌شود. حرکت از جایی آغاز نمی‌شود و به جایی ختم نمی‌شود. گویی همواره در حال معرفی یک جزء به جزء دیگر است. وقتی احمد آرتیست هنرپیشه مورد علاقه‌اش را در خواب می‌بیند و از هم‌بازی‌شدن با او تا یک‌قدمی گری کوپر قدم برمی‌دارد، لباس تازه‌ای برای هنرنمایی هنرپیشه بر پرده سینما می‌دوزد. به‌همین‌ترتیب وقتی که هنرپیشه محبوب نقشی را در یک زندگی نمایشی پرورش می‌دهد، خواسته یا ناخواسته آرایش ذهن احمد آرتیست را در هنرنمایی‌اش پرورش می‌دهد. عکس‌های دیوار خانه احمد آرتیست جلوه‌ای از این ارتباط ناخواسته را روشن می‌کند. تصویر درشت هنرپیشه بر پرده سینما از میان عکس‌های روی دیوار خانه کوچک احمد آرتیست حرکتی را پیش می‌گیرد که قرار است در سالن سینما با اضافه‌شدن صدا و حرکت سیر مداوم پنداری را صورت‌بندی کند که پیش‌تر از آن یاد شد. شاید هنرپیشه سینما همین عکس را به شکلی دیگر به دیوار خانه‌اش قاب گرفته باشد یا در مرور خاطراتش از نقش‌آفرینی‌های مختلف و جان‌بخشی به شخصیت‌های نمایشی یاد کند؛ اما مناسبات زندگی او را علاقه احمد آرتیست و دوستانش شکل می‌دهند. در واقع فیلم «سرخ‌پوست‌ها» با تمرکز به رفتار عاشقان سینما در کوچه ارباب جمشید، روزمرگی‌های ستاره سینمایی را خارج از ملودرام‌های عشق و نفرت به جریانی تکرارشونده راه می‌دهد. در میانه این مسیر پوسترها و عکس‌ها به زندگی احمد آرتیست و ستارگان مشهور سینما ضمیمه می‌شوند. ازاین‌رو سناریوهای سرگرم‌کننده حاصل تجارتی یک‌سویه نیستند و نام‌گذاری این فیلم‌ها به‌عنوان دسته‌ای از فیلم‌های سینمای ایران که در شکل و ظاهر با هم تفاوت دارند، تنها تقطیع زمانیِ فصل‌هایی از تاریخ سینمای ایران را مهیا می‌کند.

این ارتباط از کافه ارباب جمشید تا سالن سینمایی که در پایان فیلم محل یک جنگ سرخ‌پوستی است، ادامه دارد. وقتی که داود به تهران پا می‌گذارد، به کافه‌ای می‌رود که پاتوق شیفتگان سینما است (سینمای ایران آمدن یک روستایی به شهر را در فیلم‌های متعدد و از نگاه سینماگران مختلف آزموده است و چندان تفاوتی میان رویکرد سینماگران به فاصله جغرافیایی یک مرد یا زن از جایی به نام «ولایت» تا شهر دیده نمی‌شود. داود در فیلم «سرخ‌پوست‌ها» در شب‌گردی‌های خود با احمد آرتیست این فاصله مکانی را به جبر پیروی از معرفی پیشینه شخصیت در فیلم‌نامه، بازگو می‌کند. صداقت و شیوه حرف‌زدن داود باعث ارتباط شیرینی میان او و احمد آرتیست می‌شود). مثل همه تازه‌واردها، داود نیز پای ثابت خنده و شیرین‌بازی اهالی کافه می‌شود. علی مجله‌ای را به شکل دوربین فیلم‌برداری رو به صورت داود می‌گیرد و از زاویه دید او چهره خجالت‌زده و پریشان داود دیده می‌شود. احمد آرتیست به طرفداری از داود با علی درگیر می‌شود و رفاقت داود و احمد از اینجا شکل می‌گیرد. فاصله میان این سکانس تا شب‌نشینی سرخ‌پوست‌ها در پایان فیلم، با گشت‌وگذار داود و احمد در آرزوی هنرپیشه‌شدن و دیدار یک ستاره سینما می‌گذرد. اگرچه غلامحسین لطفی لحن ساده‌ای را برای به‌تصویرکشیدن زندگی آدم‌های بیرون سینما انتخاب می‌کند و روشن است که مشاهده‌های روزمره او از کوچه ارباب جمشید و دیدن رفتار علاقه‌مندان به هنرپیشگی، وقایع پیش‌روی دوربین را متأثر می‌کند؛ اما فیلم «سرخ‌پوست‌ها» با طی‌کردن راهی که آغازش یک کافه کوچک پر از خانه به دوش‌های سینماست و پایانش سالن خالی سینما، شکلی از رابطه عامه‌پسندها و زندگی یک هنرپیشه سینما را نشان می‌دهد که وابسته به چگونگی بازتاب رفتار شخصیت‌های نمایشی در زندگی روزمره سینمادوستان است. شب‌نشینی سرخ‌پوست‌ها در سالن سینما با بازسازی یک اتفاق تکرارشونده در فیلم‌های دهه ۴۰ و ۵۰ آغاز می‌شود. البته با این تفاوت که در اینجا یک ضبط صوت جای حضور خواننده بر صحنه‌ای را که عموما برای نگاه مردها آماده می‌شد، می‌گیرد و همچنین ترانه‌ای که محزون است شنیده می‌شود. احمد و علی رفاقت‌شان را از سر می‌گیرند. جنگ سرخ‌پوستی با تفنگ‌های قلابی آغاز می‌شود. دسته بازیگران سینما به کودکانی ساده‌دل با خواسته‌هایی کوچک تبدیل شده‌اند که پشت صندلی‌های خالی سینما پناه گرفته‌اند و گاهی به چشم هم شلیک می‌کنند. درگیری میان آنها به صبح می‌کشد و این جدال نمایشی به جایی ختم می‌شود که احمد آرتیست برای اولین بار یک اکشن سینمایی را در خونِ روی دست‌هایش حس می‌کند و با ذوق دست خونینش را به داود نشان می‌دهد. فیلم «سرخ‌پوست‌ها» تلاشی برای طراحی یک فضای هنری منحصربه‌فرد ندارد و ناگفته پیداست که غلامحسین لطفی همراهی با زندگی روزمره آدم‌های فیلمش را به خودنمایی به‌عنوان یک کارگردان ترجیح می‌دهد. نتیجه کار او خلق میزانسن‌هایی است که حضور بازیگران به صورت گروهی، موقعیت نمایشی را شکل می‌دهد و این تفاوت بارزی است که حضور اهالی ارباب جمشید در فیلم «سرخ‌پوست‌ها» را با سایر تولیدات سینمایی متمایز می‌کند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

کدام فیلم‌های کوتاه و مستند را در جشنواره چهلم فجر خواهیم دید؟

● تنها چند روزی تا آغاز جشنواره چهلم فیلم فجر باقی است و به‌مرور اسامی فیلم‌های حاضر در هر بخش معرفی می‌شود. هرچند بیشتر اخبار جشنواره حول و حوش فیلم‌های بلند حاضر در این رویداد هنری است، اما نمایش فیلم‌های مستند و کوتاه نیز مخاطبان بسیاری دارد و در روزهای باقی‌مانده به برگزاری جشنواره، اسامی فیلم‌هایی که به نمایش گذاشته خواهند شد، منتشر شده است.

فیلم‌های «آن مرد با اتوبوس آمد» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «نیما مهدیان»، «احتضار» به کارگردانی «حجت طاهری» و تهیه‌کنندگی «حجت طاهری، عبدالخالق طاهری»، «تفنگ برادرم» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «کامران جاهدی»، «دبستان پارسی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «حسن نقاشی»، «سرباز شماره صفر» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «محمد سلیمی‌راد»، «مشق امشب» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «اشکان نجاتی، مهران نعمت‌الهی»، «هیچ‌کس منتظرت نیست» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «محسن اسلام‌زاده»، «یکی از رؤیاهای من» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «محسن هادی» در این بخش حضور دارند.

دکتر «احمد ضابطی‌جهرمی»، «محمد تهامی‌نژاد»، «محمدعلی فارسی»، «مرتضی شعبانی» و «محمدرضا عباسیان» اعضای هیئت انتخاب بخش مستند جشنواره چهلم بودند.

فیلم‌های کوتاه داستانی «آهو» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «مهسا رضوی»، «ارفاق» به کارگردانی «رضا نجاتی» و تهیه‌کنندگی «سولماز وزیرزاده»، «تابوت» به کارگردانی «اکبر زارع» و تهیه‌کنندگی انجمن سینمای جوانان ایران - دفتر تبریز، اکبر زارع، «گذشته» به کارگردانی «حمید محمدی» و تهیه‌کنندگی «حمید محمدی و دفتر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی»، «گوزن» به کارگردانی «هادی بابایی‌فر» و تهیه‌کنندگی «هادی بابایی‌فر و محمود غفاری»، «لئو» به کارگردانی «محمدمعین روح‌الامینی» و تهیه‌کنندگی «محمدمعین روح‌الامینی و انجمن سینمای جوانان ایران (دفتر کاشان)»، «ماجان» به کارگردانی «فردین انصاری» و تهیه‌کنندگی «انجمن سینمای جوانان، بنیاد بین‌المللی امام رضا (ع)»، «هاجرو» به کارگردانی «افشین اخلاقی‌فیض‌آثار» و تهیه‌کنندگی «افشین اخلاقی‌فیض‌آثار و انجمن سینمای جوانان»، «هرگز، گاهی، شاید» به کارگردانی «شادی کرم‌رودی» و تهیه‌کنندگی «آرین وزیردفتری»، «ویار» به کارگردانی «حورا طباطبائی» و تهیه‌کنندگی «حورا طباطبائی و انجمن سینمای جوانان» در این بخش به رقابت می‌پردازند.

دکتر «احمدرضا معتمدی»، «دانش اقباشاوی» و «حامد جعفری» اعضای هیئت انتخاب بخش سینمای کوتاه چهلمین جشنواره فیلم فجر بودند.

چهلمین جشنواره فیلم فجر در دو بخش فرهنگی و رقابتی از ۱۲ تا ۲۲ بهمن به دبیری «مسعود نقاش‌زاده» برگزار خواهد شد.

جلال تهرانی با «مخزن» به تئاتر بازمی‌گردد

● جلال تهرانی، نویسنده، کارگردان و مدرس شناخته‌شده تئاتر قصد دارد نمایش «مخزن» را بعد از گذشت ۲۰ سال از نگارشش برای سومین بار به صحنه ببرد. جلال تهرانی تمرین‌های این نمایش‌نامه را از بیستم دی آغاز کرده است و پیش‌بینی می‌شود این اثر در بهار ۱۴۰۱ آماده اجرا باشد. «مخزن» پیش‌تر در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ در سالن مولوی به صحنه رفته بود و اینک پس از دو دهه روایتی جدید از این اثر در انتظار مخاطبان تئاتر خواهد بود.

در خلاصه داستان نمایش‌نامه آمده است: در یک پمپ بنزین که مخزنش خالی است کسی سوزانده شده است. دو برادر که کارگر آنجا هستند، می‌خواهند ماجرا را برای صاحب پمپ بنزین که پدرشان است، توضیح دهند اما مشکل برای فهم حادثه اینجاست که هرکدام از برادران چیزی می‌گوید... .

جلال تهرانی، نویسنده، کارگردان و طراح تئاتر ایران، کارگردانی نمایش‌هایی مانند «تک‌سلولی‌ها»، «نفرتی‌تی»، «مخزن»، «هی مرد گنده گریه نکن»، «به صدای زمین گوش کن»، «سیندرلا»، «دو دلقک و نصفی»، «فصل شکار بادبادک‌ها» و... را در کارنامه دارد.